

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر استن - المان

سُکْرِ غُرُور

ای که شدی محترم ، با قلم روزگار
صفحه کاغذ شده ، پُر خط و نقش و نگار
حرمت اهل قلم دان ، که نماید ترا
زیور پُر ارزش ، همچو در شاهوار
مستی به اندازه کن ، موقف خود را شناس
ورنه شود راز تو ، پیش همه آشکار
دست تملق بیئر ، سجده مکن بر در
آنکه به ظاهر گل و ، لیک به باطن چو خار
کار تو باشد همیشه ، ریب و ریا و دغا
مهر هوس بر جبین ، صورت دل ، تاپه دار
رام شد آهوی ما ، بر غبن روزگار
دانه تزویر تو ، چون لَبَنِ گِزگ و مار
یاد عزیزى بخیر ، گفت ، مرا پارسال
پشه چه باشد کُند ، مرغ دل ما شکار

مست شدی از مقام ، تا که بگویند ، فلان
مُخترعِ مُبتکر ، کرده چنین ابتکار
ناز به اندازه کن ، سُکرِ غرورت شکن
تانشوی شرمسار ، پیشِ خداوندِ گار
وعدِ وفا میدهی ، لیک جفا میکنی
مرد نباشد یک و ، گفته او صدهزار
ابر بیارد اگر ، میوه دهد هر شجر
آنکه ندارد ثمر ، قطع شود بهر نار
بلبلِ شوریده ام ، شور و نوا میکنم
در همه شهر و دیار ، دشت و دمن ، کوهسار
یارب ازین سُوزِ دل ، ناله « نعمت » بلند
کرده رقم این چنین ، مانند ازو یادگار